



علیؑ محور وحدت

جرعه‌های ولایت به روایت شیعه و اهل سنت

در راستای تقرب اخلاقی بین مذاهب

سید حسین اسحاقی

اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ - ۱۳۸۱ -

علی علیه السلام محور وحدت: جرعه‌های ولایت به روایت شیعه و اهل سنت / سیدحسین اسحاقی؛

تهیه کننده: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما. - قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.

۱۶۲ ص. - (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۰۴۲)

ISBN: 978-964-2761-09-8 ریان: ۱۴۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه ص: [۱۶۱] - ۱۶۲: همچنین به صورت زیر نویس.

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - کلمات قصار - ۲. علی

بن ابی طالب، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - احادیث. الف. صدا و سیما جمهوری

اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۹۵۱۶

ج ۵ الف / ۵ / ۲۹۷



مجلس



جمهوری اسلامی ایران

علی علیه السلام محور وحدت (جرعه‌های ولایت به روایت شیعه و اهل سنت)

کد: ۱۰۴۲

نویسنده: سیدحسین اسحاقی

ویراستار: محمدصادق دهقان

تهیه کننده: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

توبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۰۰۰

بها: ۱۴۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۵۵۱۰ - ۲۹۱۹۶۷۰ - ۲۵۱ - دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ISBN: 978-964-2761-40-8 \ ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۰۹-۸

فهرست مطالب

۲۲ توبه

۲۳ دیباچه

۲۴ پیش‌گفتار

۲۵ میان‌روی

● فصل اول: اخلاق فردی

۲۷	پرهیز از ثروت طلبی	۱۴	پرهیز از نخستین گناه
۲۸	سادگی زیستی	۱۴	لذت ترک گناه
۲۸	برخوری	۱۵	پاکی نفس
۲۹	دل بستگی به دنیا	۱۶	گذشت هنگام قدرت
۳۰	کار برای آخرت	۱۷	کنترل خشم
۳۱	پرهیز از حرام خواری	۱۸	اصلاح نفس
۳۲	دوری از حرام	۱۹	پرورش روح
۳۳	دعا	۲۰	حساب کشی از نفس
۳۴	آمزش	۲۱	زیاده روی در غریزه
۳۴	عادت شایسته	۲۲	بی پروایی در گناه

۵۹	تنبلی.....	۳۵	سحرخیزی.....
۶۰	بهره‌مندی از اندیشه پاک.....	۳۶	انس گرفتن با قرآن.....
۶۱	اخلاص.....	۳۷	آخرین نماز.....
۶۲	کنجکاو۱.....	۳۸	پول‌داران فقیر.....
۶۳	بی‌باکی.....	۴۰	عیب‌بینی.....
۶۳	حیا.....	۴۱	شناسایی عیب‌ها.....
۶۴	حیا نکردن از ندانستن.....	۴۲	بردباری.....
۶۵	پرهیز از شتاب‌زدگی.....	۴۳	طمانینه در برابر مشکلات.....
۶۶	پرسش‌گری.....	۴۳	آرزوهای دراز.....
۶۶	تفکر مطلوب.....	۴۴	عزت نفس.....
۶۷	نیک‌سیرتی.....	۴۵	بی‌نیازی.....
۶۸	ادای حقوق.....	۴۶	(قناعت) کم‌خواهی.....
۶۹	ناتوانی.....	۴۷	عالم‌بی‌عمل.....
۷۰	تکمیل کارها.....	۴۸	تداوم آموزش.....
۷۱	بزرگ‌نمایی.....	۴۹	پیروی از خداوند.....
۷۲	نعمت‌شنوایی.....	۴۹	دوری از خدا.....
۷۳	سخن‌اندیش‌مندان.....	۵۰	سوءاستفاده از دین.....
● فصل دوم: اخلاق اجتماعی		۵۱	بهره‌وری از عمر.....
۷۵	مشورت نکردن با ناآگاهان.....	۵۲	استفاده از فرصت.....
۷۶	مشورت در کارها.....	۵۳	روی گردانی از دنیا.....
۷۷	پرهیز از فخر فروشی.....	۵۴	خدا ترسی.....
۷۸	خودستایی.....	۵۵	خوف و رجا.....
۷۹	خودبزرگ‌بینی.....	۵۶	ترس از عذاب الهی.....
۷۹	حفظ دوستان.....	۵۶	بیدارباش خدا.....
۸۰	افراط در دوستی.....	۵۷	دوری از پستی‌ها.....
۸۱	پرهیز از مجالس لهو و لعب.....	۵۸	طمع‌ورزی.....
۸۲	دوستان باوفا.....	۵۹	بی‌کاری.....

۱۰۵	ادب‌ورزی	۸۳	هم‌نشینی با بدان
۱۰۶	خوش‌قولی	۸۴	دوستی‌های دروغین
۱۰۷	امانت‌داری	۸۵	انتخاب دوست
۱۰۸	راست‌گویی	۸۶	نیکوکاری
۱۰۹	همسایه‌داری	۸۷	خدمت بلاعوض
۱۱۰	بخل‌ورزی	۸۷	پیش‌قدمی در کمک به نیازمندان
۱۱۱	پرهیز از شتاب‌زدگی در قضاوت	۸۸	فراموش کردن نیکی‌های خود
۱۱۲	هدایت بدکاران	۸۹	نیکی با دست خویش
۱۱۲	خویش‌داری از گناه	۹۰	اطعام کامل
۱۱۳	جایگاه دانش‌اندوزی	۹۰	دست‌گیری از نیازمندان واقعی
۱۱۴	تکیه بر ایمان	۹۱	گره‌گشایی
۱۱۴	پرهیز از شهرت‌طلبی	۹۲	نیکی به بدکاران
۱۱۵	سخاوت‌مندی	۹۳	شتاب در نیکوکاری
۱۱۶	خلق نیکو	۹۴	مردمی بودن
۱۱۶	زیاده‌روی در توبیخ	۹۴	یک‌رنگی
۱۱۷	عفت کلام	۹۶	جلب اعتماد مردم
۱۱۸	اتفاق	۹۶	انصاف با دیگران
۱۱۹	پرهیز از سخنان بی‌اساس	۹۷	امید به مردم
۱۲۰	اعتماد نکردن به دشمنان	۹۸	غش در معامله
۱۲۰	عفو، بی‌بازگشت	۹۹	چاپلوسی
۱۲۱	نصیحت‌گریزی از دشمنان	۱۰۰	شهادت دروغ
۱۲۲	سکوت	۱۰۱	فریادرسی
۱۲۲	مسئولیت‌پذیری	۱۰۲	دست‌گیری از ستم‌دیده
۱۲۳	نصیحت‌پذیری	۱۰۲	شایستگی در کار
۱۲۴	پرهیز از پرسش مفرضانه	۱۰۳	حق‌مداری
۱۲۴	احترام به بزرگ‌سالان	۱۰۴	پایداری در احقاق حق
۱۲۵	خویش‌داری	۱۰۵	پیروی از سخن حق

دوری از فریب کاران.....	۱۲۶	چاه کندن برای دیگران.....	۱۴۷
پرهیز از شوخی بی جا.....	۱۲۷	پرهیز از مخالفت نا آگاهانه.....	۱۴۸
دوری از تهمت.....	۱۲۸	درگیر نشدن با افراد پست.....	۱۴۹
عهد و پیمان.....	۱۲۹	خطاب مؤدبانه.....	۱۵۰
زیاده گوئی.....	۱۳۰	تغافل.....	۱۵۱
احترام به پدر و مادر.....	۱۳۱	چشم ندوختن به فرومایگان.....	۱۵۲
خوش حالی از شکست دیگران.....	۱۳۲	دشمنی با مردم.....	۱۵۲
بدگمانی.....	۱۳۲	پرهیز از لباس شهرت.....	۱۵۳
خوش رفتاری در خانه.....	۱۳۳	دروغ بستن به بزرگان.....	۱۵۴
شرم بی جا.....	۱۳۴	آثار بدهکاری.....	۱۵۵
آرزوی مرگ دیگران.....	۱۳۵	تذکر دوستانه.....	۱۵۶
تبرکت در نشست های علمی.....	۱۳۶	پندآموزی.....	۱۵۷
نشر دانش.....	۱۳۶	دوراندیشی.....	۱۵۷
تعلیم و تعلم.....	۱۳۷	اثر هم نشینی.....	۱۵۸
شنونده خوب.....	۱۳۸	حفظ آبرو.....	۱۵۹
بخشش در تنگ دستی.....	۱۳۹	پندپذیری.....	۱۶۰
نصیحت پنهانی.....	۱۴۰	کتاب نامه.....	۱۶۱
بازگو نکردن همه دانسته ها.....	۱۴۰		
پرهیز از سوگند بسیار.....	۱۴۱		
بالاترین عیب.....	۱۴۲		
میانه روی در ستایش و نکوهش.....			
دیگران.....	۱۴۳		
تکیه نکردن به بدکاران.....	۱۴۳		
پرهیز از کینه جوئی.....	۱۴۴		
غدالت خواهی.....	۱۴۵		
ضمانت.....	۱۴۶		
شتاب نکردن در پاسخ گوئی.....	۱۴۶		

دیباچه

محمد ﷺ، تربیت شده خداوند و علی ﷺ، تربیت شده پیامبر است و در حقیقت، از همان چشمه زلال الهی بهره مند شده است.

علی ﷺ، شاگرد مکتب چنین رسولی است که درس اخلاص از استاد خود آموخته و سراسر زندگی وی با اخلاص درآمیخته و زمزمه لبانش و تپش قلبش و همه اعضا و جوارحش مترنم به یاد حق و اخلاص عمل برای اوست و همچون جدش ابراهیم چنین می گوید:

إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَغْيَايَ وَمَمْنَانِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

به همین دلیل، اخلاص او شهره آفاق و زبانزد خاص و عام و شیعه و سنی است. مولوی جلال الدین محمد بلخی پس از بیان داستان جنگ و هم آوردی آن حضرت با عمرو بن عبدود در جنگ خندق و پس از جسارت عبدود، به علی ﷺ که سبب شد علی ﷺ دست از جنگ بکشد و قدم زند، از علت صبر علی ﷺ در بریدن سر عبدود چنین می گوید:

از علی آموز اخلاص عمل	شیر حق را دان مطهر از دغل
گفت من تیغ از پی حق می زنم	بسنده حقم، نه مأمور تنم
شیر حقم، نیستم شیر هوا	فعل من بر دین من باشد گوا

اخلاص، راهبر و راهنمای عمل او بود و ثمره چنین اخلاصی جریان یافتن چشمه‌سار حکمت از قلب بر زبان آن حضرت بود؛ سخنانی که هر یک گنجینه‌ای پربها از تجربه و راه‌کار به سوی رشد و رستگاری فرد و اجتماع اسلامی است. سخنانی که هرگاه اندیشمندان و ادیبان و سخنوران شیعه و اهل سنت با آن روبه‌رو شدند، در برابر عظمت آن سر تعظیم فرود آورده و در بزرگی لفظ و معنای آن گفته‌اند که فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق است.

عمر بن بحر جاحظ، از ادیبان مشهور اهل سنت در کتاب معروف خود *البيان والتبيين* با آنکه سخنان پراچ و گران‌بهای از سخنوران آورده، ولی پس از آوردن این سخن علی‌السلام که می‌فرماید: «قيمة كل انسان ما يحسنه؛ ارزش هر انسانی به اندازه دانش اوست»، می‌گوید اگر در این کتاب جز بر همین سخن دست نمی‌یافتم، برای کتابم کافی بود.

رشیدالدین وطواط از نوادگان خلیفه دوم و از ادیبان مشهور ایرانی در مقدمه شرح صد کلمه‌ای که جاحظ از کلمات علی‌السلام انتخاب کرده است، می‌نویسد:

امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب کرم الله وجهه و ارضاء، با آنکه امام اختیار و قدوة ابرار و سید فقیان و مقدم شجعان بود، فصاحتی داشت که عقود جواهر از انفاس او در غیرتند و نجوم زواهر از الفاظ او در حیرت و عمرو بن جاحظ که در کمال براعت و وفور بلاغت نادره این امت و اعجوبه این ملت بود از مجموع کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب کرم

الله وجهه در جمله بدایع غرر و رایع درر است، صد کلمه اختیار کرده است و هر کلمه از آن برابر هزار کلمه دانسته و به خط خویش نبشته و خلق را یادگار گذاشته [است].^۱

سخنان آن حضرت، اندیشمندان شیعه و اهل سنت را مجذوب خود ساخته است، به گونه‌ای که همواره از دیرباز تا کنون نگاهی ویژه به سخنان آن حضرت داشته‌اند و در لابه‌لای کتاب‌های اخلاقی، تربیتی، عرفانی، تفسیری، و فقهی و کلامی خود، سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را شاهد صدقی بر گفته خود می‌آوردند و به شرح و توضیح آن می‌پرداختند. امام فخر رازی از مفسران برجسته اهل سنت در تفسیر بزرگ خود برای اثبات نظر خود چنین می‌نویسد:

علی بن ابی طالب کرم الله وجهه گفت: به خدا سوگند که در خیر را با نیروی بدنی خود دنیاوردم، بلکه با نیروی ربانی بود؛ زیرا علی کرم الله وجهه در آن زمان از عالم اجسام و دنیا انقطاع حاصل نموده و ملایکه با انوار کبریا بر او اشراق نموده بودند و روح او را تقویت نمودند...^۲

علاوه بر پراکنده بودن سخنان آن حضرت در کتاب‌های مهم و پزارج شیعه و اهل سنت، عده‌ای از اندیشمندان مجموعه‌های گران‌سنگی از سخنان آن حضرت را یک جا گرد آورده و به جهان اسلام تقدیم کرده‌اند که در میان شیعه، کتاب پرازج نهج البلاغه گردآوری سید رضی و غرر الحکم و در الکلم را می‌توان نام برد. از میان دانشمندان اهل سنت نیز عده‌ای به چنین کاری همت گماشته‌اند از جمله:

۱. عمرو بن بحر جاحظ که صد کلمه را فراهم آورده و رشید و طواط به شرح آن به زبان فارسی پرداخته است.

۱. مطلوب کل طالب، ص ۲.

۲. مطلوب کل طالب، قم، مرکز انتشارات اسلامی، ص ۲.

۲. دستور معالم الحکم - که توسط قاضی ابو عبدالله محمد بن سلام قضایی (ف ۵۵۴) جمع آوری گشته و بدین نام شهرت دارد.

۳. محمد بن حبیب الله شتیطی مصری از عالمان معاصر مصر که کتابی در شرح حال حضرت علی علیه السلام به نام - امیر المؤمنین علی بن ابی طالب فی مناقبه و مشاهده و حکمه فراهم آورده که نام دیگر آن کفایة الطالب است.

۴. سجع الحمام فی حکم الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب که توسط سه تن از اندیشمندان معاصر مصر به نام های علی جندی محمد ابو الفضل ابراهیم و محمد یوسف محجوب فراهم آمده است و همچنین چندین مجموعه کلمات قصار دیگر که به دست اندیشمندان شیعه و اهل سنت ترتیب داده شده است.

آنچه در این مجموعه تقدیم می شود، سخنان حکیمانه آن حضرت از منابع شیعه و اهل سنت است. گاهی سخنی از آن حضرت به طور مشترک هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت به یک لفظ آمده و گاهی جمله ای در منبعی شیعی به نحو اجمال و تفصیل آن در منابع اهل سنت و گاه برعکس آمده است. در پایان شایسته است از تلاش های محققانه جناب آقای علی باقر شیخانی که تحقیق و تفحص متناظر سازی احادیث شیعی را با متون اهل سنت به عهده داشتند سپاس گزاری کنیم. بی تردید بدون زحمات محققانه ایشان این مجموعه به بار نمی نشست.

آنه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

امیرالمؤمنین علی علیه السلام الگوی همیشه مانایی است که می‌توان همه کمالات را در او سراغ گرفت و بدان‌ها اقتدا کرد. آن حضرت نه تنها از آن شیعیان که الگوی همه مسلمانان و جمله آزادگان است، امام علی علیه السلام، تجسم ارزش‌های دینی و اسلام مجسم است، انسانی در اوج عرفان، عبادت، سلوک و در عین حال سیاست‌مدار و جامعه‌ساز، شدت عمل را با رحمت و عطف به مؤمنان آموخت؛ اهل مداهنه نبود و هیچ‌گاه حقیقت را قربانی مصلحت نکرد. کتاب فضل علی علیه السلام چندان پربار است که برای خواندن آن چند نقد عمر باید و تنها می‌توان شمه‌ای از فضایل ناپیدای علوی را را کاوید و پیش روی همگان نهاد.

از آنجا که حس کمال‌جویی و ویژگی الگوطلبی و نمونه‌پذیری، امری فطری و ذاتی است و آدمی برای ره‌یابی به سرمنزل مقصود و دست‌یابی به کمال مطلوب، در جست‌وجوی اسوه‌هایی برای پیروی از آنها و گرفتن سرمشق برمی‌آید، باید الگوهای مطلوب را بشناسد. علی علیه السلام پس از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مصداق کامل اسوه حسنه است و پیروی از ایشان موجب هدایت و کمال امت اسلامی، بلکه انسانی است. شیوه آن بنده راستین حق،

سبب ترقی، رشد و تکامل بشر خواهد بود و به همان نسبت سربلندی از روش او، گمراهی و نابودی همیشگی را در پی خواهد داشت. پیامبر درباره سیره علی علیه السلام به عمار یاسر این گونه سفارش می‌کند:

ای عمار، اگر دیدی علی به تنهایی از یک راه می‌رود و تمام مردم به راهی دیگر روانند، به راه علی برو؛ زیرا او تو را به نابودی نکشاند و تو را از مسیر هدایت و رستگاری خارج نسازد.^۱

در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند:

ای علی، بی‌شک تو کسی را که پیروت باشد، هدایت خواهی کرد و آن‌که با سیره و راه تو مخالف است، به یقین، تا روز قیامت گمراه خواهد ماند.^۲

امام علی علیه السلام در برخورد با مردم و جوامع انسانی، دیدگاهی فراتر از دید مسلمان به مسلمانی دیگر داشت. در دیدگاه او مردم از نظر اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای از آنها، برادر دینی‌اند و دسته‌ای دیگر، در آفرینش با مسلمانان یکسانند. از این رو، با هر یک از آنها متناسب با آنچه خداوند و سنت پیامبر تعیین کرده است و نیز متناسب با شأن و کرامت انسانی آنان عمل می‌کرد. در سفارش به مالک اشتر در همین مورد می‌فرماید:

فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُكَ فِي الْغُلُقِ.^۳

ای مالک، مردمان دو دسته‌اند، گروهی برادر دینی تواند و گروهی در آفرینش با تو همانندند.

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۸۸.

۲. شیخ طوسی، الامالی، ص ۲۷۹. ۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

از نظر امام علی (ع)، همه انسان‌ها فرزندان یک پدر و مادر و در نژاد و طبقه برابرند و هیچ انسانی از این جهت، بر دیگری برتری ندارد. ایشان به صراحت می‌فرماید: هَإِيهَا النَّاسُ إِنْ أَدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أَمَةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَهْرَافُ^۱ ای مردم، بی‌گمان آدم هیچ یک از فرزندان را برده و کنیز نژاد و همگان آزادند.

در سیره امام علی (ع) همه مردم از حقوقی مساوی برخوردارند و همه باید از مواهب اجتماعی یکسان بهره‌مند شوند. تساوی حقوقی افراد از دیدگاه علی (ع) چنان مهم و حساس است که حتی در التفات و نظر به افراد نیز والی و حاکم نباید تبعیض ورزد. حضرت در سفارش به محمد بن ابی بکر، والی مصر چنین می‌فرماید:

با همگان یکسان رفتار کن، چه آن‌گاه که گوشه چشم به آنان افکنی و چه آن‌که خیره‌شان نگاه کنی تا زورمندان و بزرگان، در تبعیض طمع نورزند و ناتوانان از عدالت تو نومید نشوند.^۲

از روزی که علی (ع) خود را شناخت، بر محور حق حرکت کرد و در این راه هماره با حق دم‌ساز بود. به همین دلیل، پیامبر فرمود: «الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ أَيْنَمَا مَالَ» حق به دنبال علی (ع) است هر جا که برود.^۳

علی (ع) به تمام معنا، قانون‌مدار و مجری قانون الهی بود و در این راه میان خودی و غریبه تفاوتی نمی‌گذاشت و اگر کسی برخلاف قانون عمل می‌کرد، بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را بر وی اجرا می‌کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی‌پذیرفت. از سوی دیگر، بسیار دقیق و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۶.

منظم بود و دیگران را از بی‌برنامگی بازمی‌داشت. ایشان در عهدنامه مالک اشتر برای حفظ نظم و انجام کارها در وقتشان فرمود:

کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا هر روز کاری ویژه خود را دارد و از شتاب در مورد کارهایی که زمانشان نرسیده یا سستی در کارهایی که امکان انجام آن فراهم است یا لجاجت در اموری که مبهم است یا سستی در کارها هنگامی که آشکار است، برحذر باش و هر کاری را در جای خود و به موقع انجام بده.

از دید امام علی علیه السلام، مهربانی و محبت با مردم، در جذب دل‌ها و اداره کردن انسان‌ها، نقش ارزنده‌ای دارد و منبب می‌شود زمام‌دار بر قلوب مردم حکومت کند. ایشان درباره مهرورزی به انسان‌ها در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

دلت را از رعایا، پر از مهر و محبت و لطف کن. در برابر آنها درنده و آزارکننده‌ای مباش که خوودن آنان را غنیمت شماری.^۲

امام همیشه در دست‌رس همگان بود به گونه‌ای که پایین‌ترین رده‌های اجتماعی نیز به سهولت و بدون کوچک‌ترین مشکل و مانعی با وی دیدار می‌کردند و مشکلاتشان را با او در میان می‌گذاشتند. هیچ درباری نداشت و به کارگزاران خود نیز سفارش می‌کرد که هیچ‌گاه از دید مردم غایب نشوند. این راستا به پسر عموی خود قثم بن عباس که زمام‌دار مکه بود، چنین می‌نویسد:

صبح و عصر برای رسیدگی به امور حاجیان و مردم مکه بنشین. به کسانی که پرسشی دارند، پاسخ ده. جاهلان را بیاموز و با دانشمندان مذاکره کن.

در میان تو و مردم باید واسطه و سفیری جز زبانت و حاجب و پرده‌ای جز چهره‌ات نباشد. افرادی را که با تو کار دارند، از ملاقات با خود محروم مساز. اگر ابتدا آنها را از در خانه‌ات برانند، حل مشکل آنها پس از آن، این بی‌حرمتی و بی‌اعتنایی را جبران نخواهد کرد.^۱

امام برای آموزش و پرورش مردم در تمام ابعاد زندگی‌شان اهمیت ویژه‌ای قائل بود و بر دو نکته اساسی تأکید می‌ورزید. ابتدا در بخش فرهنگ مردم گذشته، باید تنها سنت‌های نیکو و آداب و رسوم خوب آنان را گرفت و به کار بست و در بخش آموزش باید چیزی را به مردم آموخت که برای دنیا و آخرت آنها سودمند باشد و بتوانند از آن در زندگی‌شان بهره گیرند. از نظر علی علیه السلام فقط علمی ارزش دارد که شخصیت انسان را بسازد و رشد و تکامل بخشد و او را به خداوند و اوج تقرب برساند.^۲

سیره امام علی علیه السلام در بعد فردی و خانوادگی نیز در اوج است. علی علیه السلام، یگانه خداشناس است. او در خانه خدا چشم به جهان گشود و در خانه حق، کام جانش به نام حق و به یاد خدا شیرین شد. او در خداشناسی به یقین کامل رسیده بود، آن‌چنان‌که می‌فرماید: «إِنِّي لَقُلِي يَقِينٍ بَيْنَ زَنَى وَ غَيْرِ شُبْهَةٍ بَيْنَ دِينِي وَ مَنْ دِرْبَارِهِ پروردگارم، خود به سر منزل یقین رسیده‌ام و در دینم تردیدی ندارم».^۳ خداشناسی علی علیه السلام به اندازه عظمت و بزرگی خود اوست؛ زیرا خدا را در همه حال حاضر و ناظر بر رفتار و برنامه‌های خویش می‌داند و او را به چشم

۱. همان، نامه ۶۷.

۲. علی رفیعی غلامه و دشتی، سیره امام علی علیه السلام، ص ۷۹ [دانش نامه امام علی علیه السلام].

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۴.

دل می‌بیند، عبادت او، عبادت آزادگان است که فقط به شکرانه ذات حق و بدون چشم‌داشت پاداشی صورت می‌پذیرد. خود در این باره می‌فرماید:

گروهی خدا را از روی رغبت و میل (به بهشت) می‌پرستند که این عبادت تاجران و سودجویان است و گروهی خدای را از روی ترس، پرستش می‌کنند که عبادت بردگان است و عده‌ای به سبب شکر نعمت‌های الهی و سپاس (و اینکه حضرت حق را شایسته عبادت می‌دانند) او را می‌پرستند و این عبادت آزادگان است.^۱

آن‌گاه به نزع عبادت خود اشاره می‌کند و می‌فرماید:

هیچ‌گاه خداوند را از روی ترس یا به طمع و چشم‌داشت پاداشی نپرستیدم، بلکه چون خداوند را شایسته پرستش دیدم، او را عبادت کردم.^۲

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره اخلاص نیز می‌فرماید که تمام دوستی‌ها و دشمنی‌ها و جذب و دفع، همه و همه باید برای خدا باشد: «الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ حُبُّهُ لِلَّهِ وَ بُغْضُهُ لِلَّهِ وَ اخْذُهُ لِلَّهِ وَ تَرْكُهُ لِلَّهِ».^۳

در سیره عبادی امام، نماز بزرگ‌ترین جلوه عبادت و اساسی‌ترین نماد بندگی و رکن نخستین و پایه اصلی دین است. مؤمن کسی است که دوستی، دشمنی، دادن و گرفتن او برای خدا باشد. در بحرانی‌ترین زمان‌ها و مکان‌ها نیز نماز اول وقت امام به تأخیر نمی‌افتاد، چنان‌که در جنگ صفین گاه و بی‌گاه

۱. همان، ج ۲، ص ۸۴.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۵۷.

۳. مهرالحکم، ص ۶۷.

به خورشید نگاه می‌کرد و مراقب بود که وقت زوال نگذرد. ابن عباس از حضرت پرسید: ای امیر مؤمنان، چرا گاهی از جنگ دست می‌کشی و به آسمان می‌نگری؟ فرمود: «به خورشید و زوال آن نگاه می‌کنم تا وقت نماز را بدانم و نماز اول وقت را از دست ندهم.» ابن عباس با شگفتی پرسید: آیا در هنگامه نبرد که مجال اندیشیدن به چیز دیگری جز جنگ نیست، به نماز اول وقت می‌اندیشی؟ فرمود: «ما برای چه با آنان می‌جنگیم؟ آیا برای نماز، نبرد نمی‌کنیم؟»^۱

امام علی علیه السلام از نظر خانوادگی و توجه به کانون انس و الفت نیز الگویی نیکو برای تمام خانواده‌هاست. امام، بزرگ‌ترین عامل خوش‌بختی و راز کام‌یابی خانواده را در گرم و باصفا نگه‌داشتن کانون خانوادگی، اخلاق پسندیده و محبت و مهربانی و وفاداری در آن می‌داند و می‌فرماید:

به خدا سوگند، هیچ‌گاه فاطمه را به اکراه به کاری و انداشتم و او را ناراحت نکردم و خشمگین نساختم تا خداوند او را نزد خویش برد و او نیز هیچ زمان مرا ناراحت نکرد و از دستور من سرپیچید و هرگاه به او نگاه می‌کردم، همه ناراحتی‌ها و اندوه‌ها و غم‌هایم را از یاد می‌بردم.^۲

حضرت در مورد حقوق همسران می‌فرمود:

مبادا بر زنان خویش ستم روا دارید و آنان را از حق خویش محروم سازید. هر کس به اندازه یک درهم گوشت برای همسر و فرزندان خویش خریداری کند، مانند کسی است که برده‌ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد ساخته است.^۳

۱. حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، *ارشاد القلوب*، ج ۲، ص ۲۲.

۲. همان، ج ۷۸، ص ۳۲.

۳. *بحار الانوار*، ج ۴۳، ص ۳۱.

شیوه و رفتار علی علیه السلام با فرزندان بر اساس تربیت نبوی بود. ایشان در سخنی زیبا به حسن و حسین علیهما السلام، فضیلت‌ها و ارزش‌های متعالی در زندگی را چنین می‌آموزد:

تقوا پیشه سازید. در پی دنیا و مظاهر آن نباشید حتی اگر دنیا به شما روی آورد. بر هر چه از مواهب دنیایی است و از دست می‌دهید، تأسف نخورید. به حق سخن بگویید. برای پاداش الهی کار و کوشش کنید. دشمن ستمگر و یار ستم‌دیده باشید. در کارهایتان نظم داشته باشید. برای ایجاد صلح و آشتی بین مردم بکوشید. حال یتیمان را رعایت کنید و نگذارید نابود شوند. همسایگان خود را مراعات کنید. مبادا در عمل به قرآن، دیگران بر شما پیشی گیرند. همواره مراقب نماز باشید. امر به معروف و نهی از منکر را هرگز ترک نکنید که در آن صورت، بدان بر شما مسلط می‌شوند و دعایتان مستجاب نخواهد شد. بر شما باد هم‌بستگی و از تفرقه و پشت کردن به یکدیگر پرهیزید.^۱

ایشان در وصیتی به فرزند خود امام حسن علیه السلام درباره رعایت حقوق خانواده و خویشاوندان می‌فرماید:

وَأَكْرَمُ عَشِيرَتِكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَأَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ
يَذُكُّ الَّتِي بِهَا تَقْصُلُ.^۲

خویشانت را گرامی‌تر بدار که بال‌های توآند و با نیروی آنان می‌توانی پرواز کنی و همچنین آنان ریشه توآند که به آن باز می‌گردی و دستان توآند که با آنان به دشمن یورش می‌بری.

اصولاً دل‌بستگی به خانواده، حفظ و حراست از بستگان و رسیدگی به آنان، اهتمام به صله رحم، استوار ساختن پیوند خویشاوندی از سنت‌های نیکو و از اصول اساسی در فرهنگ اسلام به شمار می‌رود که مورد تأکید جدی امام علی علیه السلام است.

از آنچه گذشت، درمی‌یابیم که علی علیه السلام، سرچشمه کرامت و قله بلند فضایل و کمالات انسانی است. او پرورش یافته اسلام است. پایه‌ای پیامبر حرکت می‌کرد و دوست و دشمن به فضایلش معترفند. چنین شخصیتی نمونه‌آرمانی همه جوامع انسانی است. ابن عباس در سخنی کامل در حق ایشان می‌فرماید:

به‌خدایی که جان من در دست اوست، اگر دریاها، مرکب و درختان، قلم و همه آفریدگان زمین، نویسنده شوند، نمی‌توانند فضایل علی علیه السلام را بنویسند.^۱

اینک ماییم و این هم کرانه بی‌پایان سخنان نغز و پر علق مولای متقیان که ره‌توشه و چراغ راه انسان‌های جویای فضیلت است.